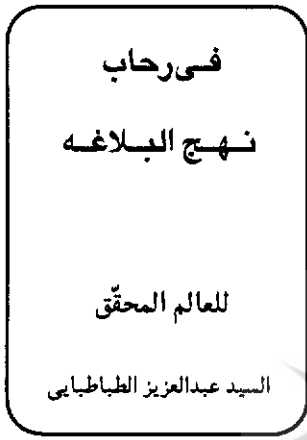


## معرفی کتاب

فی رحاب نهج البلاغه، تألیف: سید عبدالعزیز طباطبایی، ناشر: بنیاد نهج البلاغه (در دست نشر)  
یکی از آثار ارزشمند محقق فقید سید عبدالعزیز طباطبایی قدس سره، کتابی است پیرامون نهج البلاغه به نام «نهج البلاغه عبر القرون» (نهج البلاغه در گذر زمان). در این کتاب، آثار مکتوبی که در مورد نهج البلاغه تدوین شده است، معرفی می‌گردد. البته ایشان در آغاز نام دیگری برای



آن در نظر گرفته بودند و در شرح حال خود نوشتی که در کتاب «الغدیر فی التراث الاسلامی» نوشته‌اند، و نیز در مقالات اولیه مجله تراثنا، از این کتاب به عنوان «فی رحاب نهج البلاغه» نام برده‌اند.

در این مقال، برآنیم که این اثر ارزشمند را معرفی کنیم. (۱)

بخش عمده‌ای از این کتاب در مجله «تراثنا» - که توسط مؤسسه آل البيت علیهم السلام در قم منتشر می‌شود - به چاپ رسیده است (شماره‌های ۵، ۸-۷، ۲۹، ۳۴، ۳۶-۳۵، ۳۹-۳۸). اما بعد از چاپ هر شماره، مؤلف مطالبی بر آن می‌افزود و اهتمام زیادی به کامل کردن آن داشت. حتی در آخرین لحظات عمر شریف خود - در شب هفتم ماه رمضان سال ۱۴۱۶

۱- پیش از این، مقاله «محقق طباطبایی و کتاب گرانسنگ نهج البلاغه عبر القرون» نوشته آقای سید علی طباطبایی در فصلنامه نهج البلاغه شماره ۲-۳ (سال ۸۰ و ۸۱) ص ۱۷۹-۱۹۱ منتشر شده بود که بخش عمده آن به شرح حال محقق طباطبایی اختصاص داشت. خوانندگان پژوهشگر را برای آگاهی از شرح حال آن فقید به مقاله یادشده ارجاع می‌دهیم و در این مقاله به معرفی تفصیلی کتاب می‌پردازیم.

هجری - مشغول تکمیل این کتاب بوده است ( چنانچه نقل می شود پیرامون کتاب نثر اللآلی<sup>(۱)</sup> مشغول نگارش بودند که حمله قلبی روی می دهد و ایشان به بیمارستان منتقل می شود و ساعتی بعد به لقاء حق می شتابد) روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

### تمهید

محقق طباطبایی دیباچه زیبایی بر کتاب خود نگاشته است که بحق مختصر و مفید است و خواندنی، لذا شایسته دیدیم پیش از معرفی فصل های مختلف کتاب بخش هایی از آن را ترجمه و به خوانندگان محترم تقدیم کنیم.

### دیباچه

بدون تردید، مهم ترین جنبه کتاب شریف نهج البلاغه، جنبه فصاحت و بلاغت امیرالمؤمنین علیه السلام در سخن اوست که اعجاب همگان را در همه اعصار و قرون برانگیخته است.

محقق طباطبایی دیباچه کتاب خود را - حدود ۱۲ صفحه - به این مطلب اختصاص می دهد و سخن را چنین آغاز می کند:

بسا که منحرفان و مغرضان، در اینکه این خطبه ها و سخنان حکیمانه از حضرت علی علیه السلام باشد، تردید کنند و آن را امری غریب پندارند، به راستی چرا؟

مگر او از قلب جزیره العرب - که خاستگاه فصاحت و بلاغت و محل رویش شعر و ادب عربی است - برخاسته است؟ مگر او از قریش نیست؟

حضرتش، خود در پاسخ تعجب مردم که از او می پرسند: ما بلیغ تر از شما ندیده ایم؟!

---

۱ - نثر اللآلی لفخرالمعالی تألیف علی بن فضل الله راوندی که در آن کلمات قصار منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام را به ترتیب حروف گردآورده است. شایان توجه است که مرحوم شیخ آقابزرگ از کتاب دیگری به همین نام، «نثر اللآلی» در الذریعه یاد می کند که امین الاسلام طبرسی مفسر معروف شیعه در همین موضوع یعنی کلمات قصار امیرالمؤمنین علیه السلام به ترتیب حروف نگاشته است. الذریعه: ۲۴ / ۵۳.

می‌فرماید: چه تعجبی؟ مگر من مولود مگه نیستم؟<sup>(۱)</sup>

افزون بر این، خداوند متعال استعداد درونی و مواهبی به ایشان بخشیده است، که عنایت خاص الهی به آن حضرت است و تنها به اولیای خاص و بندگان مخلص خود عطا می‌کند. در پی این موهبت، هزار هزار باب علم و دانش در یک جلسه به او منتقل می‌شود که خداوند متان در قرآن کریم، از آن به «أُذُنِ وَاَعْيَةٍ»<sup>(۲)</sup> تعبیر می‌کند. و خداوند، رحمت خاص خود را به هرکسی که سزاوار آن داند، ارزانی می‌کند. «وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ»

این در زمانی بود که عرب جاهلیت همه اُمی بودند، در بیابان و شنزار و در میان شتران می‌زیستند، و از هرگونه تمدن و پیشرفت علمی به دور بودند، حتی اگر عالمی بر آنان وارد می‌شد حتی نمی‌دانستند که چه مطلبی را از او سؤال کنند! در روایت آمده است که: صحابه پیامبر ﷺ بسیار دوست داشتند که کسی بر پیامبر وارد شود و از حضرتش سئوالی کند تا آنان از جواب پیامبر به او بهره‌مند شوند!

امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به همه صحابه و مسلمانان صدر اسلام از دو امتیاز اساسی برخوردار بود: اول توانائی پرسیدن. دوم علم لدنی که موهبت الهی بود.

محقق طباطبایی ابتدا به چند روایت از خود امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می‌کند و سپس نمونه‌هایی از سخن بزرگان و دانشمندان بزرگ عالم اسلام در باب فصاحت و بلاغت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌آورد.

به عنوان نمونه، به این دو روایت دقت شود.

۱- کتاب اختصاص، ص ۱۴۸.

۲- و تمیها اذن و اعیة. سورة الحاقة آیه ۱۲. مؤلف در پاورقی به منابع مهم حدیثی و تفسیری اهل سنت اشاره می‌کند که در ذیل این آیه شریفه روایت کرده‌اند پس از نزول این آیه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرتش فرمودند: سألت ربی ان یتجعلها اذن علی. از خداوند طلب کردم که آن را گوش علی قرار دهد. و عباراتی دیگر به همین مضمون.

از جمله مورخان و محدثان، ابن جریر طبری، قرطبی، زمخشری، ابونعیم اصفهانی، سیوطی، ابن کثیر و ابن عساکر آن را روایت کرده‌اند.

۱- ابن سعد در کتاب الطبقات الكبرى<sup>(۱)</sup> چنین می آورد:

از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: چگونه در میان صحابه پیامبر، شما از همه بیشتر حدیث نقل می کنید؟ حضرت پاسخ داد: من آن گونه بودم که هرگاه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می پرسیدم، به من پاسخ می دادند. و اگر هم سکوت می کردم، پیامبر خود سخن گفتن آغاز می نمود.

این حدیث در بسیاری از منابع اهل سنت آمده است و مؤلف در پاورقی کتاب، به حدود ۴۰ مورد از این منابع اشاره می کند.

۲- در جای دیگر حضرت می فرماید:

لَا نِي لِي لِسَانُ سَوَّلٌ وَقَلْبٌ عَقُولٌ، وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ فِيمَا نَزَلَتْ وَبِمَا نَزَلَتْ. (۲)

چرا که من از زبانی پرسشگر و نهادی اندیشمند برخوردار هستم. و آیه های بر پیامبر نازل نشد، مگر اینکه بدانم چرا و در چه موردی نازل شده است.

در ادامه مؤلف بیان می کند که از نعمت های الهی بر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این بود که از همان او ان کودکی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرپرستی او را به عهده گرفت (از ابوطالب گرفت) و او را تربیت کرد و ادب آموخت.

پس چه می توان گفت در حق کسی که در دامان رسالت پرورش یافته و از جام نبوت سیراب گشته است!

آن حضرت، خود در ضمن خطبه ای می فرماید: همچون بچه شتری که به دنبال مادرش روان است، من همواره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تبعیت می کردم<sup>(۳)</sup> و در جای دیگر می فرماید: أَمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالصَّغِيرِ مِنَ الصَّغِيرِ وَالذَّرْعِ مِنَ الْعُضْدِ. (۴)

۱- الطبقات الكبرى: ۲ / ۳۳۸.

۲- ابن سعد در کتاب طبقات: ۲ / ۳۳۸؛ حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، شماره ۳۶؛ ابن عساکر در تاریخ دمشق: حدیث شماره ۱۰۴۶. ۳- در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه: و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر أمته...

۴- در ضمن نامه ۴۵ نهج البلاغه خطاب به عثمان بن حنیف: من و رسول خدا همانند دو شاخه ایم که از یک تنه روییده باشند و نسبت به هم چون ساعد و بازو هستیم.

به دنبال این مطالب، به سخن بزرگان علم و ادب و دانشمندان سرشناس جهان اسلام  
استشهاد می‌کند:

۱- سید مرتضی در کتاب امالی<sup>(۱)</sup> گوید: بدان که اساس و پایه توحید و عدل، از  
سخن امیرالمؤمنین علیه السلام برگرفته شده است. و هرکس که در گفتار متکلمان اندیشه کند،  
درمی‌یابد که آنچه دانشمندان علم کلام به شرح و بسط آن پرداخته‌اند، همه از خوان آن  
حضرت بهره برده‌اند.

۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه‌اش می‌نویسد:<sup>(۲)</sup> چه بگویم درباره  
مردی که هر فضیلتی به او منتهی می‌شود... او سرآمد فضائل و معدن و منبع  
کرامت‌هاست و هر که بعد از او در این مسیر ره پیموده، بر جای پای او گام نهاده است.  
دانستی که شریف‌ترین دانشها - یعنی علم الهی - از کلام علی علیه السلام اقتباس شده، از او آغاز  
شده و به او بیان می‌گیرد. نیز از جمله دانش‌ها علم فقه است که علی، اصل و اساس آن  
است، هر فقیهی در عالم اسلام و مدار اوست و از فقه او بهره‌مند گشته است... .

معتزلی در جای دیگر کتاب خود می‌گوید: او امام و پیشوای فصیحان و سرور بلیغان  
است. و درباره سخن او گفته‌اند: «دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوقین.»<sup>(۳)</sup>

سپس سخن سید رضی در دیباچه نهج البلاغه<sup>(۴)</sup> را نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام  
امام و پیشوای اهل فصاحت و بلاغت است و هر واعظ و خطیبی از چشمه جوشان  
فصاحت حضرتش بهره گرفته است.

۳- ابن نباته<sup>(۵)</sup> - از پیشوایان ادب عربی - می‌گوید: من گنجی از خطابه را حفظ  
کرده‌ام، صد فصل از مواعظ علی را از بر کردم که بخشیدن و انفاق تنها به افزونی آن  
می‌انجامد.

۲- شرح نهج البلاغه: ۱ / ۱۷.

۱- امالی سید مرتضی: ۱ / ۱۴۸.

۳- شرح نهج البلاغه: ۱ / ۲۴. ۴- دیباچه نهج البلاغه ص ۲.

۵- از سخنوران مشهور عرب بود. ابن خلکان می‌گوید: همگان بر این مسئله اتفاق نظر دارند که خطیبی هم پایه  
او در بین عرب یافت نشده است. و فیات الاعیان: ۳ / ۱۵۶.

۴ - عبدالحمید بن یحیی (۱) می‌گوید: هفتاد خطبه از خطبه‌های علی را از برکردم که همواره در ذهن من فیضان می‌کرد و می‌جوشید.

محقق طباطبایی در ادامه می‌نویسد:

همین شاهد کافی است که سخن هیچ یک از صحابه پیامبر، هم‌پایه سخن امیرالمؤمنین علیه السلام گردآوری و تدوین نشده است، و نه حتی یک دهم یا یک بیستم آن. گفتار جاحظ در کتاب «البيان و الثبیین» و دیگر تألیفاتش در شهادت بر این ادعا، ما را کفایت می‌کند.

### یک شاهد تاریخی

مؤلف می‌نویسد: امیرالمؤمنین علیه السلام را در همان آغاز رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اوج بلاغت و فصاحت می‌یابی، زمانی که پیامبر او را - پس از خالد بن ولید - به یمن می‌فرستد.

خالد بن ولید، مردم یمن را شش ماه محاصره کرد. ولی آنان تسلیم نشدند و به قبول اسلام رضایت ندادند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از آن، امیرالمؤمنین علیه السلام را به یمن می‌فرستد. امام علیه السلام در همان ابتدای امر بر آنان خطبه می‌خواند و با کلامی رسا و بلیغ، آنان را به دین اسلام دعوت می‌کند. براء بن عازب می‌گوید: (۲) من همراه علی بودم. بعد از نماز صبح، علی بر مردم خطبه خواند. مردم قبیله همدان (۳) در یک روز همگی مسلمان شدند!

علی علیه السلام در نامه‌ای خبر آن را برای پیامبر ارسال می‌کند. زمانی که پیامبر، نامه علی را قرائت می‌کند، سجده شکر به جا می‌آورد و می‌فرماید: السلام علی همدان. درود بر قبیله همدان باد.

۱ - ثعالبی در ثمارالقلوب ص ۱۹۷ او را از پیشگامان علوم بلاغت برشمرده است و نقل می‌کند که از او می‌پرسند: چه شد که به این درجه عالی از بلاغت دست یافتی؟ در جواب گفت: به خاطر حفظ کردن سخن علی.

۲ - الاستیعاب - ابن عبدالبر، ص ۱۱۲۰.

۳ - به سکون میم - نام قبیله معروفی در کشور یمن.

چنین است که سخن بلیغ و فصیح - که از علم و حکمت و ایمان و اخلاص نشأت گرفته باشد - اثر می‌بخشد. این همان دعای اجابت شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق امیرالمؤمنین علیه السلام است. زمانی که ایشان را برای امر قضاوت به یمن می‌فرستد، می‌فرماید:

«اذهب فإن الله يهدي قلبك و يثبت لسانك»

رهسپار یمن شو (دل قوی دار). بدرستی که خداوند، قلب تو را هدایت و زبان تو را استوار می‌کند (که همواره راه درست بیمایی و سخن حق بگویی)

مؤلف در پاورقی حدود سی مصدر مهم روایی و تاریخی از منابع اهل سنت برای این حدیث بیان می‌کند.

در پایان دیباچه آمده است:

جذابیّت سخنان و اندیشه امام علیه السلام مردم را بر آن داشت تا همزمان با ایراد سخنرانی، سخنان حضرت را با شوق تمام حفظ کنند، آن را بنویسند و به دیگران منتقل کنند. علاوه بر این، خود حضرت هم آنان را به این عمل تشویق می‌کردند.

مرحوم کلینی در کتاب کافی<sup>(۱)</sup> از اصبع بن نباته روایت می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام در خانه - یا در دارالاماره - خطبه خواند در حالی که ما همه جمع شده بودیم. پس از آن حضرت دستور دادند که نگاشته شود. آن را نوشتند و بر مردم خواندند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### متن کتاب

کتاب «فی رحاب نهج البلاغه» در ۱۴ بخش تنظیم شده است که در اینجا به صورت اجمالی به معرفی آنها می‌پردازیم:

### بخش اول :

تدوین کنندگان کلام امیرالمؤمنین علیه السلام از قرن اول تا قرن چهاردهم. این بخش، حدود

صد و ده صفحه از کتاب را دربرمی‌گیرد و مشتمل بر چهارده فصل با عناوین قرون چهارده گانه است.

به عنوان نمونه در نخستین فصل «القرن الاول»، به سه تن از صحابه اشاره می‌شود:

۱ - حسن بصری ۲ - حارث اعور ۳ - زیدبن وهب

در مجموع ۴۲ مورد در این بخش معرفی شده است که با حسن بصری آغاز و با کتاب «نهج الاسرار»، رضا آقاهندی حیدرآبادی به پایان می‌رسد.

نظر به اهمیت مؤلف و یا کتاب نگاشته شده، شرح و توضیحات ذیل عناوین، گاهی مختصر و گاهی مفصل است.

مثلاً در فصل سوم این بخش «قرن سوم هجری»، از جاحظ یاد شده که خود از دانشمندان ادب عربی است و کتاب او «مائة کلمة»، اثری مهم و ماندگار از اوست که مؤلف درباره آن به تفصیل بیشتری پرداخته و مطالبی ذیل این عناوین آمده است:

نسخه‌های خطی کتاب، چاپ‌های متعدد آن، ترجمه‌های مختلف از آن، شرح‌هایی که بر آن نوشته شده است، از جمله: شرح قطب راوندی و شرح رشید وطواط با نام «مطلوب کل طالب».

مؤلف در افزوده کوتاهی - با عنوان «کتاب مجهولة و لم يعلم تاریخا» - هفت کتاب شناسانده است که نه مؤلف آنها روشن است و نه تاریخ تألیف آنها.

## بخش دوم:

بخش دوم کتاب «مخطوطات نهج البلاغه» (نسخه‌های خطی نهج البلاغه) است.

این بخش (حدود صد صفحه) به معرفی نسخه‌های خطی نهج البلاغه به ترتیب قدمت زمانی آنها می‌پردازد.

عناوین این بخش را تاریخ کتابت نسخه‌ها تشکیل می‌دهد که مجموعاً در آن، صد و هفتاد و هفت نسخه خطی معرفی شده است.

اولین آنها نسخه سال ۴۶۹ است. و آخرین مورد، نسخه‌ای که در سال ۱۱۳۲ هجری

کتابت شده است. توضیحات ذیل هر عنوان به میزان اطلاع مؤلف نسبت به نسخه مورد



نظر بستگی دارد. تا حد امکان، مشخصات کامل هر نسخه ارائه می‌شود. در ذیل هر عنوان به نکاتی اشاره شده، از جمله: نوع خط، کیفیت حواشی نسخه، تعداد برگه‌های آن، آغاز و انجام نسخه و نقل سطر اول و سطر آخر آن، بر کدام یک از مشایخ قرائت شده، در حال حاضر در چه جاهایی یافت می‌شود، با چه کسی و در چه زمانی مقابله شده است و... محل یافته شدن نسخه‌ها، در بعضی موارد کتابخانه‌های شخصی و در بیشتر موارد، کتابخانه‌های عمومی است، همچون کتابخانه‌های بغداد، قاهره، ترکیه، دانشگاه تهران، آیه... مرعشی و آستان قدس رضوی.

### بخش سوم :

بخش سوم کتاب (طبقات نهج البلاغه)، اشاره به چاپ‌های مختلفی دارد که تاکنون از کتاب نهج البلاغه صورت گرفته است.

در آغاز این بخش، محقق طباطبایی اشاره می‌کند که تاکنون، چاپ‌های فراوان و متعدد از نهج البلاغه در کشورهای مختلف - همچون مصر و سوریه و ایران و لبنان - صورت پذیرفته که بر شمردن همه آنها خارج از توان است، لیکن ما به حدّ توان می‌کوشیم. وی چاپ‌های نهج البلاغه را به دو قسمت دسته‌بندی می‌کند: معلوم التاريخ و مجهول التاريخ. در این بخش چاپ‌هایی از نهج البلاغه را که همراه با شرح مفصل آن صورت گرفته - مثل شرح ابن ابی الحدید و ابن میثم بحرانی و خوبی - و یا همراه با ترجمه آن به زبان‌های دیگر است یاد نمی‌کند، اگرچه در آنها متن کامل نهج البلاغه با شرح یا ترجمه آمده باشد.

در قسمت اول (چاپ‌های معلوم التاريخ) یکصد و نه مورد بیان شده است. نکته جالب توجه در این بخش، مطالبی است که مؤلف راجع به یکی از چاپ‌های نهج البلاغه (چاپ سال ۱۳۰۲ بیروت، با شرح مختصر شیخ محمد عبده) بیان می‌دارد. در این چاپ، بنا بر نظر مؤلف یک خطای آشکار و یک تحریف رسواکننده وجود دارد: مؤلف کتاب، به جای سید رضی، سید مرتضی درج شده است و مهم‌تر از آن، تحریف درباره

عبارتی از نهج البلاغه پیرمون خلافت و جانشینی پیامبر است.<sup>(۱)</sup>

## بخش چهارم:

این بخش (شروح نهج البلاغه و شراحه) مفصل‌ترین و شاید مهم‌ترین بخش کتاب است که حدود سیصد صفحه از کتاب را دربرمی‌گیرد. در این بخش مؤلف به بیان شرح‌هایی که بر نهج البلاغه نوشته شده و شرح حال مؤلفین آنها می‌پردازد.

مؤلف در دیباچه این بخش بیان می‌کند که کتاب شریف نهج البلاغه از همان ابتدا مورد توجه عالمان و ادیبان قرار گرفته و در معرض روایت، قرائت، اجازة، استنساخ، مقابله، حاشیه نویسی آنان بوده است. ما در میراث مکتوب جاویدان خود، کتابی نمی‌یابیم که هم پایه نهج البلاغه نسخه‌های خطی گوناگون و فراوان داشته باشد. همچنین از قرن ششم هجری تا امروز بر آن شرح‌هایی نگاشته شده است. فراوانی شروح، ارائه آمار دقیق از آن را دشوار بلکه محال می‌سازد. از این رو، در این بخش، تنها به شروح متن نهج البلاغه - و نه قسمتی از آن و یا خطبه و نامه‌ای خاص - پرداخته‌ایم، خواه شرح کامل باشد و یا ناتمام، مفصل یا مختصر.

در اینجا بحثی مهم مطرح شده که: اولین شارح نهج البلاغه کیست؟

در پاسخ، پس از بیان شش قول و بررسی آنها نظر می‌دهد که مقدم بر همه شارحان نهج البلاغه، جناب سید فضل الله راوندی است، که در سال ۵۶۱ هجری از کاشان به بغداد می‌رود، در آنجا بر نسخه‌ای از نهج البلاغه به خط شریف رضی دست می‌یابد همان دم آن را برای خود استنساخ کرده و شرح و تعلیق بر آن را آغاز می‌کند.

این بخش براساس ترتیب زمانی - قرون هجری - مرتب شده است، از شرح فضل الله راوندی تا قرن چهاردهم هجری که مجموعاً ۷۹ شرح بر نهج البلاغه معرفی شده است. در قرن ششم هجری یازده شرح عنوان شده است که شرح فضل الله راوندی، شرح

قطب راوندی (منهاج البراعة)، شرح بیهقی (معارج نهج البلاغه) و شرح کیدری (حدائق الحقائق) اهمیت بیشتری دارد.

محقق طباطبایی می‌کوشد درباره هر کدام از شارحان نهج البلاغه، شرح حال کامل از آنان و آثار علمی و خدمات و کتابشناسی آنها و... ارائه دهد. لذا درباره نخستین شارح به عناوین ذیل برمی‌خوریم: شرح حال، اساتید و مشایخ حدیث (۴۱ نفر)، شاگردان و راویان (۲۵ تن)، مدرسه مجدیّه (مدرسه بزرگ و مهمی در کاشان که به همت جناب راوندی بنا گردیده است و به قول سید علی خان مدنی - در کتاب الدرجات الرفیعة ص ۵۰۶ - همانندی بر آن روی زمین یافت نشده است!)، تألیفات (۱۴ کتاب، با ذکر نسخه‌های خطی و محل یافت آنها)، دیوان اشعار، نمونه‌هایی از شعر فضل‌الله راوندی، بزرگانی از خاندان راوندی، تولد و وفات، مقبره راوندی، معرفی منابع شرح حال (۲۵ منبع).

با توجه به شرح و بسطی که محقق طباطبایی برای این شخصیت و بعضی شارحان دیگر نهج البلاغه بکار برده است - همچون شرح حال مفصل قطب راوندی، کیدری و افضل‌الدین ماهابادی - توقع می‌رفت که درباره ابی‌الحدید می‌باید به تفصیل بیشتری سخن گفته باشد و گویا چنین هم در نظر داشته‌اند. ولی اجل مهلت نداد و این کتاب همچون بعضی از آثار دیگر او ناتمام ماند. از این رو، حدائق الحقائق (تألیف قطب‌الدین کیدری) آخرین شرحی است که در زمان حیات ایشان معرفی شده است. البته بعد از درگذشت ایشان، یادداشت‌های مربوط به شروح را که در نوشته‌های آن فقید یافتیم، به کتاب ضمیمه کردیم، همچون شرح فخرالدین رازی و ابن میثم بحرانی و ابن ابی‌الحدید معتزلی.

### بخش پنجم: شرح خطبه‌ها و پاره‌هایی از نهج البلاغه

در این بخش، بیست و پنج عنوان معرفی شده است - از شماره ۸۰ تا ۱۰۵ - که آخرین آنها شرح خطبه شششقیه اثر مرحوم شیخ محمدرضا حکیمی (روحانی معاصر فقید، مقیم کویت) است.

## بخش ششم : ترجمه‌های نهج البلاغه

در این بخش، ترجمه‌های نهج البلاغه به زبانهای مختلف همچون فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، ترکی و اردو معرفی گردیده است.

در قسمت نخست، (ترجمه‌های متن کامل نهج البلاغه) به هشتاد و هشت عنوان کتاب برمی‌خوریم، از ترجمه نهج البلاغه به زبان اسپانیایی تا ترجمه کتاب به زبان اردو.

در قسمت دوم، ترجمه خطبه‌ها و بخش‌هایی از نهج البلاغه معرفی شده است.

بخش‌های دیگر کتاب، به اختصار فهرست وار معرفی می‌شود:

بخش هفتم: مستدرکات نهج البلاغه (هفت عنوان کتاب)

بخش هشتم: تبویب نهج البلاغه (چهار عنوان)

بخش نهم: فهرس نهج البلاغه (هفت عنوان)

بخش دهم: کتابهایی که در پشتیبانی نهج البلاغه تألیف شده است.

بخش یازدهم: دیگر آثاری که حول محور نهج البلاغه نگاشته شده است (سی و

هشت عنوان)

بخش دوازدهم: نهج البلاغه در نثر عربی

بخش سیزدهم: نهج البلاغه در شعر عربی

بخش چهاردهم: منتخبات نهج البلاغه (حدود ۴۰ عنوان)

## سخن آخر

همانگونه که پیش از این گفته شد، بخش عمده‌ای از این کتاب به صورت مقاله‌هایی در مجله تراثا به چاپ رسیده بود که مرحوم طباطبایی، همواره پس از چاپ به افزودن مطالب و انجام تغییرات در پاره‌ای موارد می‌پرداخت و در نظر داشت آن را به صورت کتابی مستقل به چاپ برساند که متأسفانه اجل به ایشان مهلت نداد.

پس از رحلت ایشان، آقا سید جعفر طباطبایی فرزند ایشان، آن را در یک جاگرد آورد

و در صدد آماده‌سازی آن برای چاپ برآمد. (۱) از طرف دیگر بنیاد نهج البلاغه مشتاقانه در انتظار تکمیل آن بود تا آن را به صورت شایسته به چاپ برساند.  
اکنون کتاب آماده انتشار است که امیدواریم در آینده نزدیک شاهد چاپ شدن آن باشیم.

سید محمد طباطبایی یزدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

فایده شماره ۵

